

روند ساخت نهادهای انقلابی در دولت موقت و شورای انقلاب

و تاکید امام خمینی بر الگوهای اسلامی

ایرج سوری^۱

محسن بهشتی سرشت^۲

چکیده

با پیروزی انقلاب اسلامی، دولت موقت بازرگان و شورای انقلاب متصدی امور دوران انتقالی قدرت، ساخت اولیه نهادهای بوروکراتیک دولتی، سامان سیاسی - اقتصادی کشور و نیز انتظام قوای نظامی - پلیسی شدند. عوامل مختلفی از جمله، تعدد احزاب سیاسی با مبانی ایدئولوژیکی متفاوت، توقعات فزاینده و هیجان انقلابی، بی‌ثباتی دوره انتقالی، ضرورت بازگشت به روال عادی و سامان سیاسی - اقتصادی کشور را برای دولت موقت و شورای انقلاب دشوار کرده بود. بنابراین مقاله حاضر با هدف بررسی نحوه ساخت نهادهای انقلابی و تصویب و اعلام مشروعیت نظام برآمده از انقلاب توسط دولت موقت و شورای انقلاب و تفاسیر ایدئولوژیکی موجود نوشته شده است. تلاش بر آن است که با روش پژوهش توصیفی - تحلیلی، نحوه ساخت نهادهای مدنی و قانون اساسی مطابق شعائر و رسالت انقلاب اسلامی بررسی شود. تنوع احزاب و وجود ایدئولوژی‌های رقیب متضاد سبب تاکید امام خمینی به نیروهای طرفدار ایشان در شورای انقلاب و بعداً در مجلس خبرگان قانون اساسی بر دفاع از تصویب متمم قانون اساسی، مطابق شریعت اسلامی شد. این امر با حمایت اکثریت مردم و هوشیاری امام و نیروهای پیرو خط ایشان در جهت رسالت انقلاب اسلامی با وجود همه چالش‌های محیطی میسر شد.

کلید واژگان: دولت موقت، ساخت نهادهای انقلابی، شورای انقلاب، امام خمینی.

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی تهران

^۲ دانشیار گروه و همکار پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی تهران

الف) بیان مساله:

در واپسین روزهای رژیم پهلوی دوم، امام خمینی مبادرت به تشکیل شورای انقلاب کرد. پس از ورود رهبری انقلاب به ایران، با تشکیل دولت موقت و انتخاب مهدی بازرگان به عنوان نخست‌وزیر، آخرین بقایای رژیم پیشین با خواست مردم و نخبگان انقلابی و با هدایت امام خمینی فرو ریخت. بنابراین دولت موقت به عنوان قوه مجریه در کنار شورای انقلاب در نقش قوه مقننه در دوره انتقالی قدرت، وظیفه شکل‌دهی به ساختار بوروکراسی دولتی، قضایی، تاسیس نهادهای نظامی - پلیسی برآمده از دل انقلاب (کمیته‌های انقلاب و سپاه پاسداران)، برگزاری رفراندوم اعلام مشروعیت نظام برگرفته از انقلاب اسلامی، تهیه و تصویب متمم قانون اساسی و سامان سیاسی - اقتصادی کشور تا روی کار آمدن مجلس شورا و رییس جمهور منتخب مردمی را بر عهده داشتند. در اینجا مساله این است که علیرغم وجود تنوع احزاب و ایدئولوژی‌های متضاد درون انقلاب، چه عواملی سبب شد تا ماهیت نهادها و اساس نظام جدید مطابق ایدئولوژی اسلامی هدایت شود. در این مقاله می‌کوشیم، بر اساس مستندات تاریخی و رویدادهای این دوره، این موضوع را بررسی کنیم و به آن پاسخ دهیم. در این راستا، مقاله حاضر سوال اصلی خود را چنین قلمداد می‌کند: چه عواملی سبب شد تا ساخت نهادهای انقلابی در دوره انتقالی قدرت با وجود گروه‌های سیاسی با ایدئولوژی‌های متضاد در جهت شاعر و ایدئولوژی اسلامی تثبیت شود، بنابراین برای پاسخگویی به سوال مطرح‌شده، فرضیه پژوهش پیش رو نیز چنین سامان یافته است: با پیروزی انقلاب اسلامی، دولت موقت و شورای انقلاب در دوره انتقالی قدرت وظیفه ساخت و شکل‌دهی به نهادهای انقلابی و سامان سیاسی - اقتصادی کشور را از سوی رهبری انقلاب بر عهده داشتند. تاکید رهبری بر نظام جمهوری اسلامی و تنظیم متمم قانون اساسی مطابق ارزش‌های اسلامی و اهداف و رسالت انقلاب اسلامی با تلاش نیروهای طرفدار انقلاب و پشتوانه اکثریتی جامعه با همه چالش‌های محیطی محقق شد. در نتیجه، تلاش بر آن است تا برای اثبات یا رد فرضیه مطرح شده در پژوهش حاضر گام برداشته شود. روش گردآوری داده‌ها نیز به صورت منابع کتابخانه‌ای است.

ب) پیشینه پژوهش:

تمرکز اصلی مقاله حاضر، بر روند شکل‌گیری ساختار بوروکراسی دولتی توسط نیروهای انقلابی و چگونگی هدایت ساخت نهادهای انقلابی و متمم قانون اساسی با همه اختلافات سیاسی و ایدئولوژیکی در جهت اهداف و رسالت انقلاب اسلامی با رهنمودهای امام خمینی و هوشیاری نیروهای پیرو خط امام است. در ذیل کارهایی را که درجاتی از تشابه دارند، به عنوان سوابق پژوهشی به اختصار ذکر می‌کنیم. به عنوان نمونه، رحیم خستو در مقاله «ساخت‌یابی روشنفکری دینی؛ مطالعه موردی مهندس بازرگان»، بر اساس چارچوب نظری ساختمندی آنتونی گیدنز به ساخت‌یابی روشنفکری دینی در ایران و یکی از برجسته‌ترین شخصیت‌های این جریان فکری، یعنی مهندس بازرگان و منشا عقاید سیاسی او پرداخته

است. آنچه وجه تمایز و تفاوت مقاله حاضر محسوب می‌شود، چگونگی غلبه و عوامل مشروعیت‌زای رهبری و نیروهای پیرو خط ایشان در هدایت ساخت قدرت مطابق ایدئولوژی اسلامی با وجود احزاب مختلف و سلاقی گوناگون است. این پژوهش، همچنین ضمن توجه به روند تاریخی این دوره، عوامل برتری و برجستگی گفتمان امام خمینی و نیروهای پیرو خط ایشان را دنبال می‌کند. همچنین سید حسن میرفرخایی در مقاله «سیاست خارجی دولت موقت: از عدم تعهد تا اصل نه شرقی، نه غربی»، معتقد است که دولت موقت با عمل‌گرایی و در پیش گرفتن سیاست عدم تعهد، بخشی از خواسته‌ها و انتظارات مردم در خصوص سیاست خارجی بر مبنای اصل «نه شرقی، نه غربی» را بر آورده کرده است. اما گرایش عملی دولت موقت به سمت غرب و دوری از شوروی، این سیاست را با خدشه مواجه کرد. ارائه تفاسیر گوناگون از شعار «نه شرقی و نه غربی» و برداشت‌های مختلف از آن سبب شد، اقدامات دولت موقت را در غرب‌گرایی تفسیر کنند. در مجموع، نگارنده عمده مشکلات دولت موقت را در زمینه خارجی ساختاری و داخلی می‌داند. وجه تمایز مقاله حاضر، بررسی روند ساخت نهادهای انقلابی و هدایت آنها مطابق رسالت انقلاب اسلامی در بعد داخلی است؛ امری که سبب شد، انقلاب اسلامی با همدلی نیروهای مذهبی طرفدار امام، شعائر و رسالت جهانی انقلاب را دنبال کند.

بخش اول: از پیروزی انقلاب اسلامی تا برگزاری انتخابات مجلس خبرگان قانون اساسی:

۱-۱- ساخت اولیه نهادهای انقلاب و برگزاری رفراندوم رسمیت جمهوری اسلامی در

فروردین ۱۳۵۸:

پس از ورود رهبر انقلاب اسلامی به ایران، شورای سلطنت و بقایای رژیم پهلوی دوم، آخرین کنش‌های سیاسی را با نیروهای انقلابی برای حفظ چارچوب نظام پیشین و سامان سیاسی کشور با واگذاری امتیازاتی با محوریت بقا یا آشتی نظام حاکم انجام دادند. امام خمینی قاطعانه هرگونه پیشنهاد دوستی و سازش را رد کرد و از طریق شورای انقلاب، تشکیل دولت موقت را رسمیت بخشید؛ این امر به پشتوانه درایت سیاسی رهبری و سایر همراهان در دوره انتقالی قدرت صورت پذیرفت و همدلی عموم ملت را نیز به همراه داشت. سرانجام با فروپاشی حکومت پهلوی دوم، به طور رسمی نیروهای انقلابی بر امور سیاسی کشور مسلط شدند. شورای انقلاب در نقش قوه مقننه و دولت موقت بازرگان نیز به عنوان قوه مجریه، مسئولیت انتقال قدرت را تا فراهم شدن شرایط برای انتقال قدرت، یعنی تشکیل مجلس شورا و روی کار آمدن اولین رییس‌جمهور منتخب ملت در فضای پرتنش اولیه انقلابی بر عهده داشتند. با تشکیل دولت موقت، مهم‌ترین وظایف آن، برگزاری رفراندوم اعلام مشروعیت نظام جدید و تهیه پیش‌نویس قانون اساسی و تصویب آن، برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری و ریاست قوه مجریه و مجلس شورا و شکل‌دهی به ساختار بوروکراسی دولتی و نظم‌دهی به امور نظامی و امنیتی و ... بود. این امر با وجود گروه‌های مختلف انقلابی و از هم پاشیدگی ساخت سیاسی - اقتصادی کشور و فضای

پرتنش اولیه، کار بسیار دشواری بود و فراز و فرود زیادی را طی کرد که در مقاله حاضر بدان پرداخته می‌شود.

تشکیل شورای انقلاب تنها برای اعاده نظم و ترتیب اداره کشور نبود؛ بلکه برای تامین اهدافی چون اعلام عدم مشروعیت نظام سلطنتی و نیابت شورای سلطنت و دولت بختیار، ایجاد هماهنگی در امور اجرایی انقلاب و انتقال قدرت بود. از جمله اقداماتی که شورای انقلاب می‌بایست انجام می‌داد، مذاکرات با مقامات نظامی و نیروهای مسلح، دیدارهای دیپلماتیک، ترتیب دادن مسافرت بختیار به پاریس برای دیدار با امام، مأموریت راه‌اندازی نفت و انتخاب رییس دولت موقت، جلسات مخفی در مورد هدایت کردن و همچنین سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری در زمینه نهضت اسلامی بود. اعضای شورای انقلاب تحولات لحظه به لحظه مملکت را مورد بررسی قرار می‌دادند تا بتوانند در زمان مقتضی تصمیمات لازم را بگیرند (هوازاده، ۱۳۸۹: ۸۰). شورای انقلاب نهادی بود که امام خمینی برای مدیریت انقلاب در داخل ایران در دی‌ماه ۱۳۵۷ تشکیل داد. وجود این شورا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی به جهت مسائل امنیتی فاش نشده بود و این شورا در ابتدا به صورت محرمانه و غیرعلنی فعالیت می‌کرد. با اوج‌گیری تظاهرات مردمی در سال ۱۳۵۷، اندیشه تاسیس «شورای انقلاب اسلامی» مطرح شد که با سفر آیت‌الله مطهری به پاریس، این اندیشه با امام خمینی در میان گذاشته شد. آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در این باره می‌گوید: آقای مطهری، در مراجعت از سفر پاریس، دستور رهبر عظیم‌الشان انقلاب اسلامی را مبنی بر تشکیل شورای انقلاب اسلامی آوردند. امام خمینی، آقایان شهید مطهری، آیت‌الله بهشتی، محمدجواد باهنر، بنده و موسوی اردبیلی را به عنوان هسته اولیه شورا تعیین و اجازه داده بودند که افراد دیگر، به اتفاق نظر این پنج نفر اضافه شوند و در جلسات ابتدایی، تصمیم بر این شد که حتی الامکان ترکیب شورا، از اعضای روحانی و غیرروحانی به نسبت مساوی و نزدیک به هم باشد. ترتیب انتخاب اعضای دیگر و تکمیل آن شورا چنین بود: پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، آقایان سید محمد طالقانی، سید علی خامنه‌ای، محمدرضا مهدوی کنی، احمد صدر حاج سید جوادی، مهدی بازرگان، یدالله سبحانی، مصطفی کتیرایی، سرلشکر ولی‌الله قرنی و سرتیپ علی‌اصغر موسوی به اتفاق آرا انتخاب شدند (براتعلی پور، ۱۳۹۵، ج ۱: ۱۱۵).

امام خمینی در تاریخ ۱۵ بهمن ۱۳۵۷ طی حکمی مهدی بازرگان را به نخست‌وزیری منصوب کرد (ترابی، ۱۳۸۹: ۱۲۵). دولت موقت طی حکمی که در ۱۵ بهمن ۵۷، از امام دریافت کرد، چهار وظیفه شامل اداره امور مملکت، برگزاری رفراندوم تغییر نظام سیاسی کشور، تشکیل مجلس موسسان برای تصویب قانون اساسی و برگزاری انتخابات مجلس نمایندگان ملت را عهده‌دار شد و در واقع می‌بایست پس از انجام مأموریت‌های دوران انتقال، ادامه کار را به دولت رسمی آینده واگذار می‌کرد (فزل‌ایاق، ۱۳۹۱: ۴۶). بازرگان درباره انتخاب خود می‌گوید: اعضای غیر روحانی هم شخص دیگری را در نظر نداشتند، ولی نظر عموم روی من رفت و اگر کسی موافقت نداشت، حرفی نزد. امام خمینی تبسم و اظهار خوشوقتی کرده و گفتند: به این ترتیب خیالم از دو طرف راحت شد. ظاهراً منظور ایشان از هر

دو طرف، یکی ملیون و روشنفکرها بود و دیگری علما و روحانیون. شورای انقلاب اصرار داشت که فوراً از من بله بگیرد و اعلامیه صادر شود. من نخواستم فوراً قبول کنم (ماهنامه سیاسی، فرهنگی نسیم بیداری، ۱۳۸۹: ۲۶).

با دعوت امام از مردم برای اظهار نظر در مورد دولت (۱۳۵۷/۱۱/۱۵)، ایشان در بیاناتی اظهار داشتند: من بعد از تشکر از ملت ایران که در این مدت طولانی در رنج بودند و با دادن خون خودشان برای اسلام خدمت کردند، مطلبی را که می‌خواهم به عرض ملت برسانم، این است که نظر خودشان را راجع به دولت آقای مهندس بازرگان که الان یک دولت شرعی اسلامی است، اعلام کنند. هم به وسیله مطبوعات و هم تظاهرات آرام در شهرها و دهات و در هر جایی که مسلمان هست، نظر خودتان را راجع به دولت اسلامی آقای مهدی بازرگان اظهار کنید (بازرگان، ۱۳۶۲: ۳). نوزدهم بهمن راهپیمایی سراسری در تمامی شهرها در حمایت از دولت منتخب و تأیید انتخاب دولت انجام و تا حدود زیادی وضعیت سیاسی کشور روشن شد. دولت بختیار نیز مقاومت کرده و این اقدام را غیر قانونی و خود را دولت قانونی اعلام کرد. همچنین بختیار اظهار داشت: «آقای بازرگان را سال‌هاست به خوبی می‌شناسم و حاضریم او را به همکاری در دولت دعوت کنم، ولی در یک کشور دو دولت نمی‌تواند باشد. آیت‌الله خمینی می‌تواند در قم حکومتی مشابه واتیکان تشکیل دهد؛ اما نمی‌تواند برای اداره کشور دولت تعیین کند» (منصوری، ۱۳۷۵: ۳۵۷).

بازرگان ۲۰ بهمن در سخنرانی خود در دانشگاه تهران گفت: این دعوا و جدال دو طرف دارد؛ یک طرف شاپورخان هنوز عزیز بنده، فقط شاپور از حزبش جدا شده، از جبهه‌اش جدا شده، از ملت جدا شده، از شاه هم جدا شده (خودش او را بیرون کرده) از مجلس و ملت هم جدا شده است. هیچ چیز ندارد. آن وقت به نام ملت صحبت می‌کند، به نام قانون صحبت می‌کند، اگر هم چیزی دارد، آن چیزی است که ما هنوز زور زورکی به او می‌دهیم (ماهنامه سیاسی، فرهنگی نسیم بیداری، ۱۳۸۹: ۲۷). به هر حال دولت بختیار با مشاجرات سیاسی، بدون مشروعیت سیاسی تلاش‌های ناموفقی انجام می‌داد و با اظهار اینکه دولت بازرگان در سایه است و نفی اقدامات سیاسی نیروهای انقلابی نیز نتوانست بر تنش‌های سیاسی فائق آید. به این ترتیب با خروج بختیار از کشور نیروهای انقلابی زمام امور را به طور رسمی در دست گرفتند.

بازرگان در اولین سخنرانی‌اش پس از انتصاب به نخست‌وزیری در دانشگاه تهران (۲۰ بهمن ۵۷) صریح و بی‌پرده گفت که چگونه دولتی خواهد داشت: «... از حالا باید عرض کنم که از این بنده حقیر سراپا تقصیر انتظار «علی» بودن نداشته باشید؛ حتی انتظار عمل کردن مثل رهبر و مرجع عالی قدری که بنده را مامور و مفتخر به این خدمت کرده‌اند و با عزم راسخ و ایمان و قدرت سر به زیر انداخته و بولدوزوار حرکت می‌کند و صخره‌ها و ریشه‌ها و سنگ‌ها را سر جایش خرد کرده و پیش رفته و می‌رود، این انتظار را هم از بنده نداشته باشید. بنده ماشین سواری نازک نارنجی هستم که باید روی جاده‌های آسفالت و راه هموار حرکت کنم و شما هم باید این راه را برایم هموار کنید (ماهنامه سیاسی،

فرهنگی نسیم بیداری، ۱۳۸۹: ۲۷). آیت‌الله طالقانی پس از پایان جلسه مدرسه رفاه به بعضی از اعضای دفتر و خانواده‌اش گفت: مسئله تعیین مهندس بازرگان به عنوان نخست‌وزیر مطرح بود. من به هر حال تایید کردم؛ ولی به نظر من بازرگان به درد این کار نمی‌خورد. ایشان آدم خوبی است؛ ولی مرد قاطع و مدیریتی برای پیشبرد انقلاب نیست. به نظر من ایشان می‌تواند به عنوان وزیر انتخاب شود، نه نخست‌وزیر یک دولت انقلابی. آیت‌الله طالقانی با نخست‌وزیری بازرگان موافق نبود (کردی، ۱۳۹۲: ۱۵۵). تشکیل دولت موقت، با توجه به محتوای حکم امام خمینی هنگام نصب مهدی بازرگان به نخست‌وزیری، دقیقاً در راستای تلاش برای نهادمند کردن اهداف انقلاب و تاسیس نظام سیاسی جدید صورت گرفت که می‌بایست تحت نظارت رهبر انقلاب اسلامی مراحل گذر از نظام پیشین را به نظامی تازه بپیامد و به صورت تشکیلاتی و نظام‌مند برای تحقق اهداف انقلاب تلاش کند (اسماعیلی، ۱۳۸۰: مقدمه الف). بنا به گفته مهدی بازرگان، اعضای که در پیشنهاد نخست‌وزیر و تصویب وزرای دولت موقت حضور داشتند، عبارت بودند از: آقایان طالقانی، هاشمی رفسنجانی، بهشتی، مهدوی کنی، موسوی اردبیلی، باهنر، یزدی، سنجایی، حاج سید جوادی، کتیرائی، تیمسار مسعودی، تیمسار قرنی و ایشان. بازرگان در ادامه می‌گوید: «همین قدر می‌دانم که شورای انقلاب برای تشکیل جلسات تقریباً همه‌روزه در طبقه دوم ساختمان دبیرستان رفاه جمع می‌شدیم و سری هم به آقا (امام خمینی) در ساختمان دبستان علوی می‌زدیم و {ایشان} اتاق را خلوت می‌کردند.» (بازرگان، ۱۳۶۱: ۲۶). تقریباً یک ماه پس از انقلاب اسلامی، روحانیون و نیروهای پیرو خط امام برای همیاری به امور انقلاب مبادرت به تشکیل حزب کردند. ضرورت حضور فعال نیروهای مورد اطمینان رهبری سبب این تشکل‌گرایی سیاسی شده بود.

حزب جمهوری اسلامی مهم‌ترین حزب در ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی بود. این حزب به دلیل حسن شهرت مؤسسان روحانی آن، به شدت از سوی جامعه انقلابی ایران مورد استقبال قرار گرفت و سیدمحمد حسینی بهشتی، نخستین دبیر کل حزب شد. مؤسسان حزب جمهوری اسلامی عبارت بودند از: سید محمد حسینی بهشتی، سیدعبدالکریم موسوی اردبیلی، حجت‌الاسلام اکبر هاشمی رفسنجانی، حجت‌الاسلام و المسلمین سید علی خامنه‌ای و محمدجواد باهنر. حزب جمهوری اسلامی و روش شهید بهشتی، زمینه ورود روحانیون به عرصه کارهای اجرایی، تشکیلاتی و حکومتی شد. اساسنامه حزب که مشتمل بر ۴۴ ماده و ۵ تبصره بود، در نخستین کنگره حزب به تصویب رسید. ارکان حزب مشتمل بود بر عضو، حوزه، واحد آمادگی، شورای بخش و شهرستان و استان، هیأت اجرایی، شورای مرکزی، شورای داوری، شورای ایدئولوژی، شورای افتا و کنگره (عالی‌ترین مرجع حزب). (جاسبی، ۱۳۸۳، ج ۱: ۳۹۴). اگرچه در آغاز، امام خمینی از پذیرش مناصب دولتی از سوی روحانیون و مقلدان خود جلوگیری کرد، اما آنها برای امدادسانی به ساخت نهادهای انقلابی و اداره امور کشور و واگذاری امور اداری و آموزشی به نیروهای قابل اعتماد با تشکیل حزب جمهوری اسلامی وارد عرصه رقابت‌های سیاسی شدند.

بروز مشکلاتی که در اداره مملکت از نظر تداخل نیروهای مختلف پیش آمده بود و بی‌نظمی که در اداره مملکت ایجاد شد، موجب گلایه مهدی بازرگان بود و همواره در دیدار با رهبر انقلاب از وضع موجود ابراز نارضایتی می‌کرد و حتی چندین بار تلویحاً و تصریحاً مسأله استعفا را پیش کشید. در نهایت، راه حلی که به نظرشان رسید و در جلسه‌ای در حضور رهبر انقلاب مورد توافق شورای انقلاب و بازرگان قرار گرفت، ادغام نسبی شورای انقلاب و هیات دولت و تغییر ترکیب این دو نهاد بود؛ شورای انقلاب از ابتدا به عنوان نهاد قانون‌گذار بود و قرار بود اصل تفکیک قوا رعایت و دولت به عنوان قوه اجرایی انجام وظیفه کند و به همین جهت پس از پیروزی انقلاب و تعیین نخست‌وزیر، شخص مهدی بازرگان و چند تن دیگر از اعضای شورای انقلاب، آقایان یدالله سبحانی، احمد صدر حاج سید جوادی، مصطفی کتیرایی و ابراهیم یزدی که در کابینه پست گرفتند، از شورا خارج شدند تا تداخل قوا پیش نیاید... (صادقی، ۱۳۹۶: ۱۱۴).

دولت موقت پس از آغاز کار خود در ۱۳۵۷/۱۱/۳۰ اعلام کرد که در تعیین همه‌پرسی برای شکل رژیم، مردم باید به این سوال پاسخ دهند که جمهوری دموکراتیک اسلامی آری یا نه؟ (بهنود، ۱۳۷۸: ۷۳۰). روزنامه خلق نیز (حدود ۴۳ روز بعد از انقلاب اسلامی) در تیتری تحت عنوان «چرا به جمهوری اسلامی رای می‌دهیم» نوشت: می‌خواهیم جمهوری اسلامی خود را برقرار کنیم و پرچم عدالت‌گستر «لا اله الا الله» را در چهار سوی میهن‌مان در آسمان برافرازیم. حالا در این لحظات حساس می‌خواهیم به پا خیزیم، این بار نه برای ستیز؛ بلکه برای سازندگی، برای آنکه صدایمان را که نمایانگر وحدت ماست تا ارض طاغوتیان و استعمارگران برسانیم (محسنیان، ۱۳۷۵: ۲۸۳). امام خمینی هوشیارانه با تاکید بر لفظ جمهوری اسلامی و داشتن ماهیت دینی انقلاب اسلامی برای تمایز و عدم امکان هرگونه سوء استفاده از نام آن، با وجود همه اختلاف نظرها بر واژه جمهوری اسلامی تاکید کردند و بر عملی شدن آن رای قاطع دادند.

در تاریخ ۱۵ اسفند ۱۳۵۷ سفیر آمریکا در تهران در مکتوبی به وزارت امور خارجه آمریکا درباره مجادلات بر سر لفظ نظام جدید چنین آورده است: بسیاری از گروه‌های غیر روحانی تز جمهوری اسلامی را مغایر با عقاید دموکراتیک دانسته و آن را مورد حمله قرار دادند... {امام} خمینی به مردم گفته است، وی به یک جمهوری اسلامی رای می‌دهد که به طور التزامی فشاری مذهبی بر روی آنها قرار داده است تا آنها نیز چنین کنند. {امام} خمینی کسانی را که یک جمهوری دموکراتی می‌خواهند و نه یک جمهوری اسلامی، به عنوان بی‌توجهی به معنی اسلام، مورد تمسخر قرار داد. دیگر آیات {عظام} مانند طالقانی گفت که بین او و {امام} خمینی هیچ گونه اختلافی نیست و آنکه جمهوری ایران هم دموکراتیک خواهد بود و هم اسلامی (اسناد لانه جاسوسی دانشجویان پیرو خط امام کتاب دوم، ۱۳۸۶: ۱۲۲). امام خمینی درباره اطلاق جمهوری دموکراتیک می‌گوید: «تا توانستند راجع به جمهوری اسلامی مخالفت کردند. مثلاً جمهوری باشد اسلام می‌خواهیم جمهوری دموکراتیک باشد، اسلامش نباشد. آخرش که در آن خوب خوب‌هایشان که درست و خوب صحبت می‌کند، می‌گفت:

جمهوری اسلامی دموکراتیک. ملت ما این را قبول نکرده گفتند آنچه ما می‌فهمیم، اسلام را می‌فهمیم و جمهوری را هم می‌فهمیم چیست. اما دموکراتیکی که در طول تاریخ پیراهنش را عوض کرده است، هر وقت به معنی الان هم این دموکراتیک در غرب یک معنی دارد و در شرق یک معنی دیگر است ... آن دموکراتیک را حتی پهلوی اسلام بگذارید، ما قبول نداریم. علاوه بر این، من این را در یکی از حرف‌هایم گفتم که اینکه ما قبول نداریم برای اینکه این اهانت به اسلام است. شما این را پهلوی می‌گذارید، معنایش این است که اسلام دموکراتیک و حال آنکه از همه دموکراسی بالاتر است ..» (در جست‌وجوی راه از کلام امام دفتر یازدهم، ۱۳۶۴:۱۷۵). امام خمینی درباره لفظ جمهوری اسلامی و اختلاف نظرات بر سر آن همچنین در فرازی از بیانات‌شان فرمودند: «... آنها می‌خواهند یا جمهوری را در اینجا ایجاد کنند که اسلام نباشد یا جمهوری دموکراتیک را - که باز اسلام در کار نباشد یا جمهوری دموکراتیکی اسلامی؛ دموکراتیک را باز یک رنگ غربی به آن بدهند. شما باید بیدار باشید و جز جمهوری اسلامی به هیچ چیزی رای ندهید...» (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۶: ۳۷۲).

با تغییر ماهیت سیاسی نظام پیشین و ناامنی‌های پس از انقلاب، دومین اقدام شورای انقلاب، تشکیل کمیته موقت انقلاب اسلامی برای دفاع از انقلاب و مقابله با ضد انقلاب در شهرها بود که حکم انتصاب مهدوی کنی به عنوان سرپرست کمیته مرکزی انقلاب اسلامی صادر شد (نوزایی، ۱۳۶۷: ۱۱۶). جمع‌آوری اسلحه‌هایی که در اختیار مردم و گروه‌ها بود، ایست و بازرسی خیابانی، حفاظت از اماکن مهم دولتی، همکاری با شهربانی‌ها و کلانتری‌ها و ژاندارمری‌ها، دستگیری عوامل فساد وابسته و تحویل آنها برای محاکمه و... از جمله وظایف مهم و چندگانه کمیته‌های انقلاب بود. در شورای انقلاب، بعضی از اعضای دولت موقت با کمیته‌ها - با این ادعا که فاقد انضباط سازمانی هستند - مساله داشتند. به خاطر همین، تصمیم گرفته شد که نسبت به سازماندهی رسمی کمیته‌ها، سریع‌تر اقدام شود؛ هر چند انتقادات و ایراداتی هم به برخی از کارهای آنها، مطرح می‌شد (براتعلی‌پور، ۱۳۹۵، ج ۲: ۲۰۲). رادیو لندن درباره تصمیم مهندس بازرگان درباره وضعیت ارتش اعلام کرد: بازرگان می‌خواهد وضع ارتش ایران را با همان امرای سابق حفظ کند و در نتیجه زیر فشار انقلابیون افراطی چپ و راست قرار گرفته است (سمیعی، ۱۳۷۱: ۲۵). آیت‌الله هاشمی رفسنجانی درباره وضعیت ارتش و مواضع نیروهای چپی و غیر مذهبی درباره آن می‌گوید: «ما در شورای انقلاب می‌دانستیم که دولت و ستاد ارتش، مجبور هستند تا تشکیل کامل ارگان‌های مختلف ارتش از وجود فرماندهانی که دست‌شان به خون ملت آغشته نیست، استفاده کنند تا بعداً در ارتش رژیم، تصفیه و بازسازی اساسی و عادلانه و انسانی صورت گیرد. اما همین مساله بهانه‌ای برای طرح توطئه انحلال ارتش از سوی گروه‌های چپ و غیر مذهبی بود. ایشان همچنین می‌افزایند: در تاریخ ۲۶ بهمن ۱۳۵۷ در تظاهراتی که در خیابان ایران و در مقابل منزل امام از سوی برخی از نیروهای ارتشی و سایر گروه‌ها صورت گرفته بود، به نمایندگی از امام از احتمال سوء استفاده از این گروه‌هایی‌ها سخن گفتم. نماینده‌های معترضان در مدرسه علوی، خواهان انحلال کامل ارتش کنونی و خلع ید امرا و افسران و درجه‌داران با شعار تشکیل ارتش خلقی بودند (هاشمی

رفسنجانی، ۱۳۸۳: ۲۰۲-۲۰۱). درباره وظایف و مراحل اولیه تشکیل کمیته‌های انقلاب اسلامی چنین آمده است: «جمع‌آوری اسلحه‌هایی که در اختیار مردم بود، ایست و بازرسی‌های خیابانی، حفاظت از اماکن مهم دولتی، همکاری با شهربانی‌ها و کلانتری‌ها و ژاندارمری‌ها، دستگیری عوامل فساد وابسته و تحویل آنها برای محاکمه و ... از جمله وظایف مهم و چندگانه کمیته‌های انقلاب بود. در شورای انقلاب، بعضی از اعضای دولت موقت با کمیته‌ها - با این ادعا که اینها فاقد انضباط سازمانی هستند- مساله داشتند. به خاطر همین، تصمیم گرفته شد که نسبت به سازماندهی رسمی کمیته‌ها سریع‌تر اقدام شود؛ بعد از آن، فعالیت این کمیته‌ها بهبود یافت و آنها توانستند کارهای موثر و خوبی انجام دهند، هر چند انتقادهای و ایراداتی هم به برخی از کارهای آنها مطرح می‌شد (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۳: ۲۰۲-۲۰۱). علاوه بر کمیته‌های انقلاب، تشکیل سپاه نیز از اولویت‌های نیروهای انقلابی بود که آن هم با تلاش‌های صورت گرفته تاسیس شد. سخنگوی دولت موقت در ۱۲ اسفند ۱۳۵۷ در مصاحبه‌ای مطبوعاتی گفت: «بر اساس تصمیم هیات دولت، سپاه پاسداران ایجاد خواهد شد. آیین‌نامه آن تهیه شده و در دست مطالعه است و تا چند روز دیگر، پس از تصویب، اعلام خواهد شد تا برادرانی که در انقلاب شرکت داشتند، در این تشکیلات جدید و با انطباق لازم و لباس مخصوصی به پاسداری ادامه دهند» (روزشمار جنگ ایران و عراق، ۱۳۷۵، ج: ۱، ۱۷۸). سرانجام تصویب اساسنامه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی توسط شورای انقلاب در اردیبهشت‌ماه ۱۳۵۸ بود (براتعلی‌پور، ۱۳۹۵، ج: ۱، ۱۱۷). به منظور محاکمه عوامل وابسته به رژیم پیشین که مرتکب کشتار عمومی شده بودند یا بنا به دلایلی دیگر تحت تعقیب قرار بگیرند، دادگاه‌های انقلابی تشکیل شد. آیت‌الله هاشمی رفسنجانی درباره تاسیس دادگاه‌های انقلاب اسلامی می‌گوید: «تشکیل دادگاه‌های انقلاب برای محاکمه افراد وابسته به رژیم شاه - که با حکم امام صورت گرفت - در مجموع کار برنامه‌ریزی شده ما نبود؛ آنچه مورد نظر بود و حتی صحبت‌هایی در مورد آن شده بود، مساله عفو عمومی بود. اما به جهت اینکه بسیاری از سران و وابستگان طاغوت درصدد طرح‌ریزی برای مقابله با انقلاب بودند و از طریق برخی از دستگیرشدگان هم جنایات وسیعی در رژیم گذشته داشتند، عفو عمومی در آن زمان صورت نگرفت. به هر حال، دادگاه‌های انقلاب با نظر مستقیم امام تشکیل شد و در نخستین گام، جمعی از سران بدنام و شناخته‌شده در رژیم که در جنایت علیه مردم، دست داشتند، توسط آقای {حاج شیخ صادق} خلخالی که از طرف امام مأموریت یافته بود، در این دادگاه‌ها حاضر شود و حکم شرعی صادر کند، به سرعت محاکمه و به مجازات‌هایی محکوم شدند. این در حالی بود که شورای انقلاب و دولت موقت بدون نقش داشتن در کار این دادگاه‌ها، برای محاکمه انقلابی و اعدام ۳۰ تا ۴۰ نفر از سران فاسد رژیم تحت فشار مردم و گروه‌های سیاسی بود و همزمان نیز برخی از سران کشورها، برای جلوگیری از محاکمه بعضی از عناصر رژیم شاه، درخواست‌هایی داشتند. سرانجام امام، بعد از گذشت حدود یک ماه از فعالیت مستقل دادگاه‌های انقلاب طی حکمی {در تاریخ ۲۵ اسفند ۱۳۵۷}، برای سر و سامان دادن به این وضع و با توجه به اینکه دولت موقت هم از همان روزهای اول با این دادگاه‌ها مشکل پیدا کرده بود، دستور دادند،

محاکمات زیر نظر شورای انقلاب و دولت انقلاب اسلامی صورت گیرد ... و مقرر کردند که شورای انقلاب آیین‌نامه جدیدی برای این کار تنظیم و تصویب کند و دادگاه مرکزی تهران نیز تا تصویب این آیین‌نامه، محاکمات را متوقف کند. همچنین تأکید کردند: تمامی دادگاه‌های انقلابی به جز رسیدگی به جرائم ضد انقلابی، حق هیچ‌گونه دخالت در امور دیگر از قبیل دزدی و سایر اموری که موجب حد می‌شود را ندارند؛ زیرا دادگاه‌های فوق‌العاده انقلاب اسلامی فقط مربوط به رسیدگی به امور ضد انقلابی در حال حاضر و در دوران رژیم اختناق است» (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۳: ۲۰۲-۲۰۱). دولت موقت از اقدامات دادگاه‌های انقلاب، به دلیل آنچه نادیده گرفتن مراحل قانونی و اعدام‌های فوری و بدون رضایت وی اعلام می‌کرد، ناراضی بود (فزل‌ایاق، ۱۳۹۱: ۱۴۷). دولت موقت با آغاز سال ۱۳۵۸ دو وظیفه خطیری را در راستای رسمیت یافتن نظام جمهوری اسلامی ایران بر عهده داشت: اول رجوع به آرای عمومی مردم ایران برای ابراز نظر پیرامون نظام جدید و دوم تشکیل مجلس خبرگان قانون اساسی و انتخابات آن برای تهیه متن قانون مطابق ارزش‌های انقلابی. امام خمینی ۹ فروردین درباره وظایف دولت موقت در برگزاری رفراندوم و ساخت نهادهای قانونی فرمودند: «... یک قضیه، تثبیت جمهوری اسلامی و قضیه قانون اساسی است و قضیه مجلس شورا که اینها در راس مسائل واقع شد و این دولت هم فقط برای اینها روی کار آمد. البته بعد از اینکه یک دولت مستقر روی کار بیاید، چون وضع، وضع دیگری ان‌شاءالله خواهد شد و دولت یک دولت اسلامی {است} و ... ما امیدواریم که با تثبیت حکومت عدل اسلامی به این مسائل اساسی جامه عمل پوشیده شود. البته محتاج به یک زمانی است، احتیاج به تدریج است. الان کارها به طوری آشفته است که نمی‌شود توقع داشت از دولت که در این حالی که اغتشاشات سرتاسر مملکت را گرفته است و از حیث اقتصاد الان ضعیف هستند و از جهات دیگر هم همین‌طور ... (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۶: ۴۳۹). رهبر انقلاب اسلامی در آستانه برگزاری رفراندوم اعلام نظر ملت درباره نظام جمهوری اسلامی در بیاناتی خطاب به برگزارکنندگان و دست‌اندرکاران آن فرمودند: «الان وقت آن است که رفراندوم بعد از چند روزی که خواهد شد، همه شما بیدار باشید و از کلیه دشمنان احتراز نمایید و بنا بر تصمیمی که با تبادل نظر با شورای انقلاب و دولت گرفته شد، ترتیبی دهند تا مردم هر استان و هر یک از اقلیت‌های مذهبی، نمایندگان صاحب‌نظر خود را به تعدادی که شورای انقلاب اسلامی و دولت تعیین می‌کنند، انتخاب کنند... پس از آنکه این قانون اساسی در جمع نمایندگان همه آحاد ملت قبول یا رد خود را مستقیم درباره آن ابراز نمایند (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۶: ۴۸۳).

برای اینکه مشخص شود، ملت با کدام نظریه در باب مدل حکومتی موافقت کلی و اساسی دارد، پنجاه روز پس از پیروزی انقلاب اسلامی اولین نظرخواهی از ملت انجام شد. در دهم و یازدهم فروردین سال ۱۳۵۸ مردم مسلمان ایران برای اولین بار پس از سقوط رژیم سلطنتی به پای صندوق رای رفتند تا تشکیل حکومت آینده را مشخص کنند. نتیجه این رفراندوم با ۹۸/۲ درصد آرای مثبت، پذیرش نظام جمهوری اسلامی بود. به همین مناسبت، یعنی تعیین صورت قانونی رژیم جدید، روز دوازدهم فروردین

(روز اعلام نتیجه انتخابات عمومی) به عنوان روز جمهوری اسلامی نامیده و در کشور تعطیل رسمی عنوان شد (زنجانی، ۱۳۶۲: ۱۰۴). تا این مقطع تاریخی دولت موقت انقلابی و شورای انقلاب با همه فراز و فرودهایی که گذشت، اولین وظیفه خود را به انجام رساندند. از این پس، تشکیل مجلس خبرگان قانون اساسی و تهیه و نهایی کردن متن قانون و نیز انتقال قدرت به عهده رییس دولت برگزیده ملت و نمایندگان مجلس مردمی بود.

بخش دوم: مراحل تصویب قانون اساسی و تفاسیر پیرامون آن در ساخت قدرت انقلابی تا استعفای دولت موقت

۱-۲- توافق بر برگزاری انتخابات مجلس خبرگان و تصویب قانون اساسی

در حکم انتصاب مهدی بازرگان به نخست‌وزیری، امام از وی خواست «ترتیب انتخاب مجلس موسسان را بدهد و مقدمات آن را درست کند و مجلس تاسیس شود». پس از آغاز به کار دولت موقت، با تصویب هیات دولت در تاریخ ۱۸ فروردین ۱۳۵۸ شورای عالی طرح‌های انقلاب تاسیس شد و اساسنامه آن به تصویب رسید. به موجب ماده ۲ اساسنامه مذکور، یکی از وظایف شورا، تهیه طرح قانون اساسی بر مبنای ضوابط اسلامی و اصول آزادی بود (فوزی، ۱۳۹۲: ۲۴۶). درباره تشکیل مجلس موسسان امام و نیروهای انقلابی معتقد بودند؛ با توجه به شرایط بحرانی کشور و خطراتی که از جانب گروه‌های مخالف انقلاب آن را تهدید می‌کردند، امکان تشکیل مجلس موسسان که برای تصویب قانون اساسی سال‌ها وقت نیاز دارد، وجود ندارد و بهتر است قانون اساسی تدوین‌شده توسط جمعی از حقوقدانان مستقیماً به همه‌پرسی گذاشته شود؛ اما دولت موقت معتقد بود که با توجه به وعده‌های داده شده، باید مجلس موسسان تشکیل شود... (ماهنامه سیاسی، فرهنگی نسیم بیداری، ۲۸: ۱۳۸۹). امام خمینی خواستار رای‌گیری عمومی برای تایید یا رد پیش‌نویس قانون اساسی شدند؛ ولی بازرگان بر ضرورت تشکیل یک مجلس موسسان پافشاری می‌کرد (برزین، ۱۳۷۴: ۲۹۵). امام خمینی درباره مجلس موسسان با توجه به شرایط موجود فرمودند: «الان می‌خواهیم قانون اساسی مملکت را درست کنیم و به نظر ملت برسانیم. خوب، یک همچو امر مهمی را اینها حالا افتاده‌اند دوره که نه، ما می‌خواهیم «مجلس موسسان» باشد! آن مجلس موسسان عریض و طویلی که ششصد، هفتصد نفر باید جمع شوند که اگر بخواهد اصلش تحقق پیدا کند، یک شش ماهی لازم است تا مجلس موسسان درست بشود؛ بعد هم افراد مختلف، افراد مغرض، نمی‌گذارند که این قانون درست تحقق پیدا نکند. نظرشان به این است که طول بکشد. یک چیزی که با دوماه می‌شود اصلاحش کرد، به دو، سه سال، سه، چهار سال طولش بدهند و آنها توطئه‌ها را بکنند، کارهایشان را انجام بدهند و اجتماعات‌شان را با هم بکنند و یکدفعه نه اسلام و نه کشور و نه قانون اساسی و همان حرف‌های سابق را با هم بکنند و یکدفعه نه اسلام و نه کشور و نه قانون اساسی و همان حرف‌های سابق (تبیان دفتر اول، ۱۳۸۴: ۱۵۸) با وجود اختلاف نظر موجود، سرانجام نظریه سوم که توسط آیت‌الله طالقانی بود، مبنی بر اینکه مجلس بررسی پیش‌نویس

قانون اساسی با تعداد کمتری (نزدیک ۷۰ نفر) تشکیل و توسط مجلس خبرگان به فراندوم گذاشته شود (قفلی، ۱۳۸۴: ۲۴۳). امام خمینی در مورد تدوین و تصویب طرح قانون اساسی در ۴ خردادماه ۱۳۵۸ فرمودند: «... سعی شود که در آن کلیه حقوق و آزادی‌ها و فرصت‌های رشد و تعالی و استقلال این ملت بر مبنای موازین اسلامی پیش‌بینی گردد (تبیان دفتر سی هشتم، ۱۳۸۱: ۱۰). این بیانات امام خمینی پیامی به ملت و روحانیون و یادآوری فلسفه وجودی انقلاب اسلامی بود. یعنی مطابق سنت‌های مذهبی و باورهای اعتقادی و نیازهای جامعه مسلمان ایران، متمم قانون اساسی تنظیم شود. آیت‌الله گلپایگانی نیز بر مرد بودن و شیعه بودن رییس‌جمهور آینده تأکید کردند و در قانون اساسی لحاظ شد. امام خمینی در بیاناتی درباره مشکلات پیش روی مجلس قانونگذاری فرمودند: «فرهنگ ما را آن طور کردند که نگذاشتند انسان در آن پیدا بشود که حالا اگر بخواهیم یک مجلسی، مجلس موسسان درست کنیم، بخواهیم یک مجلس شورایی درست کنیم، باید چراغ برداریم و بگردیم این طرف و آن طرف ببینیم که تازه یک آدمی که امین باشد، خدمتگزار به کشور باشد، جهات شرقی نداشته باشد، جهات غربی نداشته باشد، خدمتگزار به اسلام باشد، خدمتگزار به کشور باشد، این را باید چراغ برداریم از این طرف به آن طرف بگردیم، پیدا بکنیم. چرا؟!...» (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۶: ۵۱۷). شورای انقلاب، بررسی پیش‌نویس قانون اساسی و انتشار آن در جراید، تصویب آیین‌نامه مجلس خبرگان را تصویب کرد (براتعلی‌پور، ۱۳۹۵، ج ۱: ۱۱۷). با اعلام برگزاری انتخابات رقابت‌ها و معرفی نامزدها شروع شد. حزب جمهوری و ائتلاف آن نیز در سراسر کشور نامزدهای خود را معرفی کرد. سازمان مجاهدین راه حق؛ آیت‌الله مدنی، سازمان توحیدی مالک اشتر؛ سید کاظم اکرمی، جامعه مدرسین قم؛ مدنی و کاظم اکرمی، حزب خلق مسلمان؛ محمد میرشاه ولد و فرخ دفتری، جنبش مسلمانان مبارز؛ عزت‌الله رادمنش و... (روزنامه آیندگان ۳۴۱۰، ۱۳۵۸: ۱۲).

نهضت آزادی در لیست انتشار داده خود برای انتخابات نمایندگان مجلس خبرگان قانون اساسی، در نهایت در تهران آیت‌الله طالقانی، سبحانی، حبیب‌الله پیمان، علی‌اصغر حاج سید جوادی، سید مهدی جعفری لنگرودی، زهرا رهنورد، علی گلزاده غفوری، ناصر کاتوزیان و حجت‌الاسلام محمد مجتهد شبستری را به عنوان کاندیداهای خود معرفی کرد. این حزب در خراسان محمدتقی شریعتی، طاهر احمدزاده، شیخ علی تهرانی و برازنده را معرفی کرد (قفلی، ۱۳۸۴: ۲۸۲). احزاب ملی ایران آقایان صدرالدین و خسرو قشقایی، حجت‌الاسلام سیدحسن آیت‌اللهی و محلاتی برای فارس، ناطق‌نوری در مازندران و در ترهان کریم سنجابی، آقای حسینی، ابراهیم کریم‌آبادی، نصرت‌الله امینی و مهدی آذر را برای کاندیدا معرفی کرد (قفلی، ۱۳۸۴: ۳۴۳). حزب جمهوری اسلامی با دعوت امام خمینی به ائتلاف دست زدند. ائتلافی متشکل از گروه‌هایی چون جامعه روحانیت مبارز، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، سازمان فجر اسلام، گروه انقلابی بوذر، انجمن‌های اسلامی شهر ری، انجمن اسلامی معلمان و جنبش منتظری لیست ۱۰ نفری در تهران از کاندیداهای خود منتشر کردند.

در مرداد ۱۳۵۸، انتخابات مجلس خبرگان قانون اساسی برگزار شد. حزب جمهوری اسلامی دکتر محمد مفتاح و سیدکاظم اکرمی و نهضت آزادی نیز میرزاحسین نوری و سیدکاظم اکرمی را معرفی کردند. از سوی دیگر، سازمان مجاهدین خلق ایران، جنبش انقلابی مردم مسلمان ایران (جاما)، جنبش سازمان اسلامی شورا (ساش) و جنبش مسلمانان مبارز به طور مشترک، داوود میلانی و آقای یحیی نظیری را برای نامزدی مجلس خبرگان همدان معرفی کردند (روزنامه آیندگان ش ۱۰۶۹۲، ۱۳۵۸:۲). به هر حال پس از اعلان رسمی نتایج، بیشترین کرسی‌های مجلس در تهران و شهرستان‌ها در اختیار نمایندگان حزب جمهوری و جامعه روحانیت قرار گرفت. اگرچه این امر موجب اعتراضاتی شد، اما چون پشتوانه مشروعیت آن آرای ملی و صحنه گذاشتن امام بر آن بود، با همه کارشکنی‌ها به مسیر خود ادامه داد.

امام خمینی در آستانه برگزاری انتخابات مجلس خبرگان قانون اساسی در فرازی از بیانات خود فرمودند: «...مجلس متشکل از نمایندگان مردم با توجه به همه پیشنهادهای مفیدی که رسیده است، مواد قانون اساسی را به صورت نهایی بررسی و تنظیم نمایند و سعی شود که در آن کلیه حقوق و آزادی‌ها و فرصت‌های رشد و تعالی این ملت بر مبنای موازین اسلامی - که ضامن حقوق حقه همه افراد است و اکثریت قریب به اتفاق مردم ایران به آن رای مثبت داده است - پیش‌بینی گردد...» (تبیان کتاب سی و هشتم، ۱۳۸۱:۱۰). فرزندم گذاشته بشود و این مرحله را ما طی بکنیم...» (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۹: ۸). وزیر کشور در گفت‌وگویی با جراید درباره بررسی نهایی متمم قانون اساسی از سوی مجلس خبرگان می‌گوید: انتخابات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی در هفته اول مرداد انجام می‌شود، این مجلس متن پیش‌نویس قانون اساسی تدوین شده از طرف وزیر مشاور در طرح‌های انقلاب نخست‌وزیری، به علاوه کلیه پیشنهادات رسیده به دفتر بررسی پیشنهادات قانون اساسی واقع در مجلس سنای سابق را بررسی کرده و یک متن نهایی را تصویب خواهد کرد که در اختیار مردم گذاشته می‌شود تا در فرآیند آن را تایید یا رد کنند (روزنامه انقلاب اسلامی شماره ۱۰، ۱۳۵۸:۱۲). امام خمینی طی فرمانی در ۴ خرداد ۱۳۵۸ خطاب به نخست‌وزیر وقت، درباره روند تصویب قانون اساسی فرمودند: «طرح قانون اساسی را با سرعت تکمیل و به تصویب شورای انقلاب رسانده و هرچه زودتر در اختیار افکار عمومی بگذارید تا همه صاحب‌نظران و تمامی اقشار ملت - در مدت محدودی که تعیین می‌نمایید - پیشنهادها و نظرات خود را درباره آن ابراز نمایند و بنا بر تصمیمی که با تبادل نظر با شورای انقلاب و دولت گرفته شد، ترتیبی دهند تا مردم هر استان و هر یک از اقلیت‌های مذهبی نمایندگان صاحب‌نظر خود را به تعدادی که شورای انقلاب اسلامی و دولت تعیین می‌کنند، انتخاب کنند... پس از آنکه این قانون اساسی در جمع نمایندگان همه آحاد ملت، قبول یا رد خود را مستقیم درباره آن ابراز نمایند (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۷: ۴۸۳). ضرورت نظارت فقهای دینی بر مصوبات مجلس خبرگان قانون اساسی نیز سبب تشکیل آن شد. آیت‌الله هاشمی رفسنجانی درباره مراحل اولیه تشکیل شورای نگهبان قانون اساسی می‌گوید: «ضرورت وجود مرجعی برای تطبیق قوانین مصوب مجلس با

شرع مقدس وجود داشت و با وجود برخی مخالفت‌ها، با توجه به سابقه‌ای که این مساله در قانون اساسی دوران مشروطیت داشت، مخالفت جدی با آن نشد. به همین دلیل ما این مساله را در قانون اساسی آوردیم. البته در آنجا، اینها شورایی بودند که جمع حقوقدانان آنها نسبت به فقها از اکثریت برخوردار بودند و شورا تنها به درخواست یکی از مراجع یا رییس‌جمهور، صلاحیت رسیدگی به قوانین را پیدا می‌کرد و چون واضح بود که در چنین شرایطی، این شورا خیلی نمی‌تواند مفید و موثر باشد، نمایندگان مجلس خبرگان در ترکیب و وظایف این شورا، تغییراتی ایجاد کردند که باعث شد، شورای نگهبان قانون اساسی در متن قانون با قوت و قدرتی خاص بیاید و ضریب کارایی و اثرگذاری آن افزایش قابل توجهی یابد (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۳: ۴۴۳). امام خمینی درباره قانون اساسی فرمودند: «الان توطئه‌ها در کار است برای اینکه نگذارند این نهضت به آخر برسد و نگذارند که ما قانون اساسی را به طور صحیح درستش کنیم و یک دولت مستقری که همه امور را اصلاح کند، درست بشود. الان به نظر من کارهای دیگر، هر چه باشد، دست اول همین کاری که الان بالفعل است (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۹۳: ۹).

پس از اعلام نتایج شمارش انتخابات مجلس خبرگان قانون اساسی، آیت‌الله طالقانی بیشترین رای کشور را به دست آورده و نفر اول از تهران بود (بیش از ۷۸۰ هزار رای) و.. آیت‌الله بهشتی، گلزاده غفوری، موسوی اردبیلی، دکتر شیبانی، یدالله سبحانی، منیره گرجی و علی‌محمد عرب که همگی کاندیداهای حزب جمهوری اسلامی بودند، به مجلس خبرگان راه یافتند (قفلی، ۱۳۸۴: ۲۸۸).

مولفه‌هایی مانند پیوندهای عمیق روحانیت و مردم، سابقه مبارزاتی دیرینه آنان، هماهنگی با اندیشه‌های والای امام خمینی، حمل ارزش‌های مذهبی از سوی روحانیون که میراث‌دار چندین نسل بودند، اراده سیاسی و اتکا به ملت و غلبه بر چالش‌های محیطی و تهدیدات داخلی و توطئه‌های مختلف در انطباق‌پذیری آنان با مردم و جلب نظر آنان و کسب بیشترین آرای مردمی و کرسی مجلس خبرگان و هدایت قانون اساسی مطابق ایدئولوژی اسلامی نقش داشت.

آیت‌الله بهشتی درباره ساختار نظام سیاسی برآمده از قانون اساسی می‌گوید: در قانون اساسی متناسب با شرایط ایران و برای این مقطع زمانی در خور ملاحظه، شکلی پیشنهاد شده است که عبارت است از: ریاست‌جمهوری، دستگاه قضایی، مجلس و دولتی که منتخب مردم است (قفلی، ۱۳۸۴: ۲۰۲-۲۰۱).

طبیعتاً و منطقاً پس از شکل‌گیری نظام سیاسی در چارچوب اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی، باید قانون اساسی نظام سیاسی جدید تدوین و تصویب شود؛ زیرا ارکان و ساختار نظام سیاسی بدون قانون اساسی تعریف و تعیین نمی‌شود. از این رو، مجلس خبرگان قانون اساسی در تاریخ ۲۸ خرداد ۱۳۵۸ شروع به کار کرد. با وجود اختلاف نظرها و بحث و جدل‌ها، قانون اساسی مراحل تدوین خود را می‌پیمود (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۲: ۳۰۰). امام خمینی درباره ضرورت تشکیل مجلس خبرگان فرمودند: «الان ما احتیاج داریم که قانون اساسیمان را بررسی کنند و تصویب بکنند یک عده آدم مطلع، خبیر، مجلس خبرگان پیدا بشود... یک اشخاص متعهد به اسلام، معتقد به اینکه این مکتب است که می‌تواند ما را مستقل قرار بدهد، یک همچو اشخاصی را تعیین بکنند. تا بروند به مجلس و ان شاء

الله قانون اساسی را آنها چه بکنند و بعد هم رفتارندوم گذاشته بشود و این مرحله را ما طی بکنیم...» (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۹: ۸).

آیت‌الله مهدوی کنی در پیامی با عنوان «نیازمند هرچه زودتر تصویب قانون اساسی هستیم»، بیان داشتند: مجلس خبرگان اصول اساسی را بررسی قرار خواهند کرد. بنابراین در تاسیس و تصویب قانون اساسی مجلس موثر خواهد بود. ایام، ایام بحرانی در این مملکت است و ما نیازمندیم به اینکه قانون اساسی را زودتر تصحیح کنیم. مجلس موسسان نیز به صورت غیر وسیعش وجود دارد (روزنامه انقلاب اسلامی شماره ۲، ۱۳۵۸: ۳). پس از معرفی کاندیداهای احزاب مختلف، اعم از ملیون و مجاهدین خلق که در ائتلافی به نام ائتلاف پنجگانه پا پیش گذاشته بودند، معرفی نامزدها به اینها محدود نشد، بلکه سازمان مجاهدین راه حق، آیت‌الله مدنی، سازمان توحیدی مالک اشتر مدنی و سید کاظم اکرمی، جامعه مدرسین قم، مدنی و کاظم اکرمی، حزب خلق مسلمان، محمد میرشاه ولد و فرخ دفتری، جنبش مسلمانان مبارز عزت‌الله رادمنش (روزنامه آیندگان ۳۴۱۰، ۱۳۵۸: ۱۲). حزب جمهوری اسلامی با دعوت امام خمینی به ائتلاف دست زدند. ائتلافی متشکل از گروه‌هایی چون جامعه روحانیت مبارز، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، سازمان فجر اسلام، گروه انقلابی ابوذری، انجمن‌های اسلامی شهر ری، انجمن اسلامی معلمان و جنبش منتظری لیست ۱۰ نفری در تهران از کاندیداهای خود منتشر کردند.

مولفه‌هایی مانند پیوندهای عمیق روحانیت و مردم، سابقه مبارزاتی دیرینه آنان، اعتماد رهبری انقلاب اسلامی که در اوج محبوبیت ملی به سر می‌برد، حمل ارزش‌های مذهبی از سوی روحانیون که میراث‌دار چندین نسل بودند، اراده سیاسی و اتکا به ملت و غلبه بر چالش‌های محیطی و تهدیدات داخلی و توطئه‌های مختلف در انطباق‌پذیری آنان با مردم و جلب نظر آنان و کسب بیشترین آرای مردمی و کرسی مجلس خبرگان و هدایت قانون اساسی مطابق ایدئولوژی اسلامی نقش داشت.

قانون اساسی «بنیان‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ایران را معرفی می‌کند. مهم‌ترین و بحث‌برانگیزترین جنبه قانون اساسی، اصل ولایت فقیه بود؛ چنانچه سازمان‌های اسلامی و انقلابی، قانون اساسی را به دلیل محافظه‌کارانه بودنش غیر قابل پذیرش می‌دانستند. میان‌روها نیز به گونه‌ای با مفهوم ولایت فقیه مخالفت می‌کردند (امیر احمدی و پروین، بی‌تا، ۱۲۶). امام خمینی مجلس خبرگان را منتخب ملت دانسته که با رای مردم حاصل شده، همه می‌دانند که این مجلس یک مجلس تحمیلی نبوده است، هیچ کس تحمیل نکرده، خود مردم، اشخاص را انتخاب کرده‌اند، منتهی فرض کنید حزب جمهوری کاندیدا داشته... حالا شکست خوردند، آنهایی که شکست خوردند، می‌گویند خوب، چرا ما نیستیم! (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۹: ۵۲۲). در مراحل تصویب قانون اساسی، آیت‌الله بهشتی در فراز مهمی از سخنانش استنباط‌های یکی از نمایندگان جبهه ملی، آقای مقدم مراغه‌ای (نماینده حزب ملی) را در زمینه نادیده گرفتن نقش آرای مردم، نادیده گرفتن آزادی و حکومت طبقه‌ای خاص کاملاً نفی کرد و گفت: «این برداشت که از این پس نخست‌وزیر و رئیس‌جمهور و وزرا همه باید روحانی

باشند، هرگز چنین نیست. آیت‌الله بهشتی اصل پنجم قانون اساسی مبنی بر ولایت فقیه را چنین تفسیر کرد. مرکز ثقل حکومت و رهبری باید بر عهده فقیه باشد (قفلی، ۱۳۸۴: ۵۹۷). اصل ولایت فقیه که مورد تایید علمای مجلس خبرگان بود و از چندماه پیش گفت‌وگوها در مورد آن صورت می‌گرفت، در قالب اصل پنجم قانون اساسی به تصویب رسید. بر اساس آن، در زمان غیبت امام زمان در جمهوری اسلامی، ولایت امر امت بر عهده ولی فقیه عادل و باتقوا، شجاع، مدیر و مدبر است که اکثریت مردم او را به رهبری شناخته و پذیرفته باشند. از ۶۵ نفر حاضر در مجلس خبرگان، ۵۳ نفر به این ماده رای مثبت، ۸ نفر رای مخالف و ۴ نفر رای ممتنع دادند (بهنود، ۱۳۷۷: ۷۹). اصل پنجم، طبق آن تعدادی از فقها که در زمینه مسائل فقهی و شرعی تخصص دارند، به وسیله مردم انتخاب می‌شوند و مجمع یا مجلسی را تشکیل می‌دهند تا رهبر یا همان ولی فقیه را انتخاب کنند (پهلوزاده، ۱۳۹۵: ۳۹).

امام خمینی در نامه‌ای به نمایندگان مجلس خبرگان درباره حدود شرعی مالکیت در تصویب مواد قانون اساسی فرمودند: «الآن از طرف آقای گلپایگان آمده بودند که ایشان گفتند، در مجلس خبرگان راجع به مالکیت، مخالف اسلام نباشد که موجب مخالفت می‌شود و خواستند که با آقای بهشتی تماس گرفته شود. شما {سید احمد خمینی} تماس بگیرید و بگویید چیزی مخالف شرع، واقع نشود که مواجه با مخالفت‌ها شود (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۹: ۳۲۱). مهم‌ترین چالش درون قدرت نیروهای طرفدار رهبری و الگوهای اسلامی با رقبای دیگر، بحث زعامت ولی فقیه سیاسی بود. اصول پنجم و ششم قانون اساسی درباره نقش و جایگاه ولی فقیه سیاسی در قانون اساسی بود که با اعتقاد راسخ اکثریت نمایندگان طرفدار امام و اندیشه‌های سیاسی ایشان از آن دفاع کرده و در قانون اساسی گنجانده شدند. در این میان مجاهدین خلق که در انتخابات مجلس خبرگان به عقب رانده شده بودند، در نهایت متمم قانون اساسی را رد کردند و خود را به این اصول فوق‌الذکر پایبند نمی‌دانستند. ابوالحسن بنی‌صدر هم که از سوی حزب جمهوری اسلامی و با اعتماد به ایشان در لیست این حزب برنده شده بود، با وجود اینکه در روزنامه انقلاب اسلامی بیان داشت که به قانون اساسی رای مثبت داده است، بعدها معلوم شد در روز تصویب اصل پنجم در مجلس نبوده است.

اصل یکصد و دهم ۴۲-۴۳-۴۴ وظایف و اختیارات رهبری:

۱- تعیین فقهای شورای نگهبان؛ ۲- نصب عالی‌ترین مقام قضایی کشور؛ ۳- فرماندهی کل نیروهای مسلح به ترتیب: «الف: نصب و عزل رییس ستاد مشترک؛ ب- نصب و عزل فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، تشکیل شورای عالی دفاع ملی، مرکب از: رییس‌جمهور، رییس ستاد مشترک، فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و دو مشاور به تعیین رهبر؛ د- تعیین فرماندهان عالی نیروهای سه‌گانه به پیشنهاد شورای عالی دفاع؛ ه- اعلان جنگ و صلح و بسیج نیروها به پیشنهاد شورای عالی دفاع»؛ ۴- امضای حکم ریاست جمهوری پس از انتخاب مردم. صلاحیت داوطلبان ریاست جمهوری از جهت دارا بودن شرایطی که در این قانون می‌آید، باید قبل از انتخابات به تأیید شورای نگهبان و در

دوره اول به تأیید رهبری برسد؛ ۵- عزل رییس‌جمهور با در نظر گرفتن صلاح کشور، پس از حکم دیوان عالی کشور به تخلف وی از وظایف قانونی یا رأی مجلس شورای ملی به عدم کفایت سیاسی او؛ ۶- عفو یا تخفیف مجازات محکومان، در حدود موازین اسلامی، پس از پیشنهاد دیوان عالی کشور (صورت مشروح مذاکرات مجلس، ۱۳۶۹، ج ۲: ۱۲۰۶-۱۲۰۵). آیت‌الله مدنی در مورد بند چهارم و ذیل آن (امضای حکم ریاست جمهوری پس از انتخاب مردم) می‌گوید: این ذیل را ولو در جای دیگری هم بنویسیم، باید اینجا ذکر شود؛ زیرا این مثل قرینه‌ای است برای صدر، اگر تنها صدر باشد، امضای آن رهبر به نوع تشریفات است، اما وقتی نوشتیم صلاحیت را آن شورای نگهبان یا رهبر تعیین خواهد کرد، آن وقت معلوم می‌شود که امضا، تشریفات نیست؛ بعد از تأیید رهبر است (صورت مشروح مذاکرات مجلس، ۱۳۶۹، ج ۲۵: ۱۱۹۵). حسن آیت، یکی از نمایندگان درباره اصل ولایت فقیه سیاسی گفت: «امام خمینی معتقدند که این ولایت امر در غیبت امام، با فقهاست. حکومت اسلامی را بدون این اصل مستقر نمی‌کنیم که دلایل عقلی و نقلی در کتب فقهی دارد (قفلی، ۱۳۸۴: ۶۱۲). با اعتقاد نمایندگان روحانی و نیروهای پیرو خط امام در مجلس خبرگان به اصل پنجم متمم قانون اساسی که آیت‌الله بهشتی هدایت آنان را بر عهده داشت، سرانجام در ۲۲ شهریور ۱۳۵۸ با ۵۳ رای موافق تصویب شد. به طور کلی تدوین قانون اساسی شش گام داشت که عبارت بود از: ارائه پیش‌نویس قانون اساسی به افکار عمومی، تشکیل مجلس خبرگان قانون اساسی، بحث و بررسی پیش‌نویس قانون اساسی در گروه‌های هفت‌گانه و کمیسیون‌های سیزده‌گانه مجلس خبرگان طی ۶۷ جلسه، مرحله رسیدگی نهایی ۱۴ روزه در مجلس خبرگان، تصویب نهایی متن قانون اساسی در مجلس خبرگان به تاریخ ۸/۲۴/۱۳۵۸، همه‌پرسی درباره قانون اساسی جمهوری اسلامی در تاریخ‌های ۱۱ و ۱۲ آذرماه ۱۳۵۸ و تأیید نهایی ملی آن (مجموعه مقالات نخستین همایش تاریخ شفاهی ایران، ۱۳۸۸: ۸۲).

مهم‌ترین اختلافات دولت موقت با نیروهای رادیکال‌تر انقلابی عبارت بودند از: ۱- اختلاف در نوع نگرش به نیروهای بازمانده از رژیم پیشین در سطوح ادارات دولتی؛ ۲- اختلاف در نوع رژیم و نظام سیاسی پس از انقلاب اسلامی؛ مهندس بازرگان بر تشکیل جمهوری اسلامی دموکراتیک نظر داشت، اما ضرورتی برای اضافه کردن واژه دموکراتیک نمی‌دید؛ ۳- اختلاف بر سر نهادهای برآمده از انقلاب مانند کمیته‌های انقلاب اسلام و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی؛ ۴- اختلاف در تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی؛ ۵- تلاش دولت موقت برای انحلال مجلس خبرگان تدوین قانون اساسی در ۱۳۵۸/۷/۱۸؛ ۶- اختلاف نظر در رابطه با مسئله تصرف سفارتخانه آمریکا توسط دانشجویان مسلمان پیرو خط امام (ترابی، ۱۳۸۹: ۱۳۰). دولت موقت بازرگان در آبان ۱۳۵۸ پس از تصرف سفارت آمریکا از سوی دانشجویان مسلمان پیرو خط امام استعفا کرد و از این پس شورای انقلاب تا برگزاری انتخابات مجلس شورای اسلامی و روی کار آمدن اولین رییس دولت رسمی، مسئولیت دوران انتقالی را بر عهده گرفت. امام خمینی با تأکید بر ماهیت اسلامی و رسالت انقلابی یعنی حمایت از محرومان و مستضعفان و دفاع

از ملل محروم، تصویب نهایی متمم قانون اساسی مطابق اصول دینی و الگوی زعامت ولی فقیه و... را دنبال و با همدلی نیروهای پیرو ایشان و حمایت گسترده مردمی محقق کرد.

امام خمینی درباره رسالت جهانی گفتمان انقلابی در برپایی عدل جهانی و حمایت از مستضعفان فرمودند: «قدرت‌ها و ابرقدرت‌ها و نوکران آنان مطمئن باشند که اگر خمینی یکه و تنها هم بماند، به راه خود که راه مبارزه با کفر و ظلم و شرک و بت‌پرستی است، ادامه می‌دهد و به یاری خدا در کنار بسیجیان جهان اسلام، این پابرنه‌های مغضوب دیکتاتوری‌ها، خواب راحت را از دیدگان جهان‌خواران و سرسپردگانی که به ستم و ظلم خویشتن اصرار می‌نمایند، سلب خواهد کرد. آری، شعار «نه شرقی و نه غربی» ما، شعار اصولی انقلاب اسلامی در جهان گرسنگان و مستضعفان بوده و ترسیم‌کننده سیاست واقعی عدم تعهد کشورهای اسلامی و کشورهایی است که در آینده نزدیک و به یاری خدا اسلام را به عنوان تنها مکتب نجات‌بخش بشریت می‌پذیرند و ذره‌ای هم از این سیاست عدول نخواهد شد و کشورهای اسلامی و مردم مسلمان جهان نباید وابسته به غرب و اروپا و آمریکا و نه وابسته به شرق، شوروی که الان ان‌شاءالله تعالی به و رسول خدا و امام زمان وابسته است و به طور قطع و یقین، پشت کردن به این سیاست بین‌المللی اسلام، پشت کردن به آرمان مکتب اسلام و خیانت به رسول خدا(ص) و ائمه(ع) است و نهایتاً مرگ کشور و ملت ما و تمامی کشورهای اسلامی است و کسی گمان نکند که این شعار، مقطعی است...؛ چرا که شرط صراط نعمت، حق برائت و دوری از صراط گمراهان است که در همه سطوح و جوامع اسلامی باید پیاده شود (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۰: ۳۱۹-۳۱۸).

نتیجه‌گیری:

در دوران پس‌انقلابی، در دوره ۹ ماه تصدی دولت موقت بر امور اجرایی، با نظارت شورای انقلاب بر امور مقننه؛ با فرمان رهبری انقلاب، شاهد ساخت نهادهای انقلابی و شکل‌گیری اولیه نظام جدید هستیم. دولت موقت که وظیفه برگزاری رفراندوم اعلام مشروعیت نظام برآمده از انقلاب را از جانب امام و جامعه برعهده داشت، پس از انجام این امر با وجود اختلافات پیش‌آمده درباره مدل نظام سیاسی، بر آن بود تا با تشکیل مجلس خبرگان قانون اساسی و تهیه پیش‌نویس قانون اساسی و تصویب نهایی آن و سامان سیاسی- اقتصادی کشور در کنار شورای انقلاب، دوره انتقالی را پشت سر بگذارد و مقدمات واگذاری قدرت به مجلس شورا و قوه مجریه اصلی منتخب مردمی را فراهم کند. پس از ساخت اولیه نهادهای اولیه و گذر از چالش‌های متعدد داخلی و برگزاری رفراندوم اعلام مشروعیت نظام جمهوری اسلامی و تایید ۹۸ درصدی آن، مهم‌ترین و سرنوشت‌سازترین اقدام سیاسی، برگزاری انتخابات مجلس و تصویب قانون اساسی بود. امام خمینی با دعوت از روحانیون و نیروهای مورد اعتماد انقلاب، با تاکید بر اهمیت تصویب قوانین مطابق رسالت انقلاب اسلامی و ماهیت اسلامی آن و تلاش‌های نیروهای پیرو رهبری با اعتماد عمومی به آنان اکثریت کرسی‌ها را به دست آوردند و توانستند قوانینی مطابق اهداف انقلاب و شریعت اسلامی تصویب کنند. به هر حال انقلاب اسلامی با همه چالش‌های داخلی و

توطئه‌های خارجی تا زمان ارتحال امام خمینی راه خود را پیمود و از گردنه‌های پرمخاطره‌ای عبور کرد. هم‌اکنون نیز نزدیک چهار دهه از عمر انقلاب اسلامی گذشته است. مقام معظم رهبری همچنان مطابق اصول پنجم و ششم قانون اساسی که شرح حال آن گذشت، به عنوان ولی امر مسلمین مسلمان شیعی ضمن پایبندی به قانون اساسی و حقوق ملت در جهت رسالت جهانی انقلاب و اهدافی که در قانون اساسی تعریف شده است، حرکت و در جهت دفاع از حقوق ملت ایران در مجامع بین‌المللی و نیز ملل محروم و توسعه و ترقی ایران، منابع مادی و انسانی و ظرفیت‌های کشور را هدایت می‌کنند.

منابع و مأخذ

کتاب

- امیراحمدی، هوشنگ و پروین، منوچهر بی‌تا، ایران پس از انقلاب، مترجم علی مرشدی‌زاد، تهران: انتشارات باز .
- اسناد لانه جاسوسی آمریکا دانشجویان پیرو خط امام کتاب دوم (۱۳۸۶)، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- اسماعیلی، خیرالله (۱۳۸۰)، دولت موقت، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- بازرگان، عبدالعلی (۱۳۶۲)، مشکلات و مسائل اولین سال انقلاب از زبان مهندس بازرگان، تهران: انتشارات نهضت آزادی.
- بازرگان، مهدی (۱۳۶۱)، شورای انقلاب و دولت موقت (سیمای دولت موقت از ولادت تا رحلت)، تهران: نهضت آزادی.
- بهنود، مسعود (۱۳۷۸)، ۲۷۵ روز با بازرگان، تهران: نشر علم، ۱۳۷۸.
- برزین، سعید (۱۳۷۴)، زندگینامه سیاسی بازرگان، تهران: نشر مرکز.
- براتعلی‌پور، مهدی (۱۳۹۵)، مدیریت بحران‌های سیاسی در فرآیند انقلاب اسلامی، تهران: انتشارات عروج، جلد اول.
- پهلوزاده، عباس (۱۳۹۵)، مجلس خبرگان رهبری، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ترابی، یوسف (۱۳۸۹)، اجماع نظر نخبگان سیاسی و توسعه در جمهوری اسلامی، تهران: ناشر دانشگاه امام صادق (ع).
- تبیان دفتر اول (۱۳۸۴)، انتخابات در اندیشه امام خمینی، تهران: انتشارات عروج.
- تبیان دفتر سی و هشتم (۱۳۸۱)، امام خمینی و نهادهای انقلاب اسلامی، تهران: انتشارات عروج.
- جاسبی، عبدالله (۱۳۸۳)، تشکل فراگیر: مروری بر یک دهه فعالیت حزب جمهوری اسلامی، تهران: دفتر پژوهش و تدوین تاریخ انقلاب اسلامی.
- خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۸)، صحیفه امام، تهران: انتشارات عروج، جلد ششم.

- خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۸)، صحیفه امام، تهران: انتشارات عروج، جلد هفتم.
- خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۸)، صحیفه امام، تهران: انتشارات عروج، جلد نهم.
- خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۸)، صحیفه امام، تهران: انتشارات عروج، جلد هفتم.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۹۲)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات سمت.
- روزشمار جنگ ایران و عراق (۱۳۷۵)، پیدایش نظام جدید، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، جلد اول.
- زنجانی، عمید (۱۳۶۲)، مبانی فقهی کلیات قانون اساسی جمهوری اسلامی (جامعه کنونی و انقلاب اسلامی) تهران: دفتر مرکزی جهاد کشاورزی.
- سمیعی، احمد (۱۳۷۱)، طلوع و غروب دولت موقت، تهران: نشر شبابویز .
- صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۹) تهران: انتشارات مجلس شورای اسلامی، جلد دوم.
- صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۹) تهران: انتشارات مجلس شورای اسلامی، جلد بیست و پنجم.
- فوزی، یحیی (۱۳۹۲)، تحولات سیاسی- اجتماعی بعد از انقلاب اسلامی ایران، تهران: انتشارات عروج، جلد اول.
- قزل‌ایاق، ایمان حسین (۱۳۹۱)، ائتلاف‌های سیاسی در جمهوری اسلامی ایران، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی .
- قفلی، وحید (۱۳۸۴)، مجلس خبرگان و حکومت دینی در ایران چ ۱، تهران: انتشارات عروج.
- کردی، علی (۱۳۹۲)، آیت‌الله طالقانی و گروه‌های سیاسی، تهران: موسسه فرهنگی و انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- منصور، جواد (۱۳۷۵)، سیر تکوینی انقلاب اسلامی، تهران: وزارت امور خارجه، موسسه چاپ و انتشارات.
- مجموعه مقالات نخستین همایش تاریخ شفاهی ایران (شانزدهم اسفند ۱۳۵۸)، (۱۳۸۸) چ ۱، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران .
- محسنیان‌راد، مهدی (۱۳۷۵)، مطبوعات و ارزش‌ها، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- مجرد، محسن (۱۳۸۶)، تاثیر انقلاب اسلامی بر سیاست بین‌الملل، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- نوزانی، بهرام (۱۳۶۷)، گاه‌شمار سیاست خارجی ایران، از دی‌ماه ۱۳۵۶ تا مردادماه ۱۳۶۷، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

- هاشمی رفسنجانی (۱۳۸۳)، کارنامه و خاطرات سیاسی ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸، زیر نظر محسن هاشمی و به اهتمام عباس بشیری، تهران: دفتر نشر معارف انقلاب.

پایان نامه‌ها:

- شهیدی، محمود (۱۳۷۲)، «بررسی رفتار سیاسی ملیون در دولت موقت انقلاب اسلامی ایران»، دانشکده علوم سیاسی و معارف سیاسی دانشگاه امام صادق.
- هوزاده، بتول (۱۳۸۹)، «تعامل نهضت آزادی با امام و انقلاب اسلامی»، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی تهران.
- صادقی، افسانه (۱۳۹۶)، «زندگینامه سیاسی ابراهیم یزدی از آغاز تا پایان دولت موقت»، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی تهران.

نشریات:

- روزنامه انقلاب اسلامی، شماره ۲ (۱۳۵۸/۳/۳۰).
- روزنامه انقلاب اسلامی، شماره ۳ (۱۳۵۸/۳/۳۰).
- روزنامه انقلاب اسلامی، شماره ۱۰ (۱۳۵۸/۴/۱۰).
- روزنامه آیندگان، سال دوازدهم، شماره ۳۴۱۰، (۱۳۵۸/۵/۴).
- روزنامه کیهان، شماره ۱۰۶۹۲، (۱۳۵/۲/۵).
- ماهنامه سیاسی، فرهنگی نسیم بیداری (۱۳۸۹)، شماره نهم، شهریور و مهر.
- مهرنامه (۱۳۹۲)، شماره ۳۳، سال چهارم، پایان دی‌ماه.

پیغام
اسلامی